



## نقش مدیران در ارجاع صحیح پرونده ها

پدیدآورنده (ها): اللهیاری، عبدالعلی

حقوق :: نشریه قضاوت :: خرداد و تیر ۱۳۸۹ - شماره ۶۴

صفحات : از ۴۹ تا ۴۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/796620>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- شرح شورای نگهبان در برابر قانون مجلس
- نمونه آراء محکومیت‌های انتظامی وکلا
- مجازات عمل حرام و تعارض آن با قانون مداری در قانون اساسی ایران
- ماهیت حقوقی بودجه (سند یا قانون)

## عناوین مشابه

- نقش اخلاق حرفه ای مدیران در موفقیت سازمان ها
- تعیین همبستگی بین عوامل موثر در عدم ثبت صحیح داده ها در پرونده پزشکی بیماران بستری بیمارستان کودکان بهرامی سال ۱۳۹۹
- بررسی نقش تعدیل گری ریسک پذیری مدیران و شرکت در رابطه میان عدم اطمینان سیاست اقتصادی و نوآوری در شرکت ها
- تبیین مدل بازانديشی نقش مدیران دانشگاه ها در برنامه ریزی توسعه دانشگاهی
- نقش مدیران فرهنگی دانشگاه ها در مقابله با جنگ نرم
- نگرش مدیران تعاونی ها در زمینه نقش عوامل آموزشی و ابتکار و نوآوری شغلی در کارآفرینی و موفقیت تعاونی های کشاورزی
- نقش بانک های خصوصی در شرایط تحریم و گزارش پرونده رفع تحریم از بانک های خصوصی شده؛ بانک های خصوصی؛ سپر بلای تحریم ها
- نقش مدیران و سازمان ها در خلاقیت و نوآوری
- نقش مدیران ارشد در به اجرا درآوردن فرآیند مدیریت کیفیت فراگیر در سازمان ها
- نقش ها و مسئولیت های مدیران در اصول راهبری شرکت ها

# نقش مدیران در ارجاع صحیح پرونده‌ها

◀ عبدالعلی الهیاری - مستشار دیوان عالی کشور



قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و مواد ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ و ۱۹ آیین‌نامه تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، قانون‌گذار مقام‌های مذکور را معین نموده است و اجازه داده که با تصویب رئیس قوه قضائیه، معاون داشته باشند و حق دارند اختیارات خود را به معاونین تجویز نمایند و نتیجه این می‌شود که سرپرستان مجتمع‌های قضایی و یا معاونین آنها حق دارند پرونده‌ها را ارجاع نمایند و با مذاقه به قوانین موضوعه من جمله وحدت ملاک ماده ۱۲ قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و با توجه به رویه معمول در صورتی که مقام‌های مذکور در دسترس نباشند و نظر به اینکه هیچ موردی نباید مانع مراجعه افراد به دادگستری جهت تنظیم خواهی شود پرونده می‌بایستی توسط قضات دیگر با توجه به ترتیب تقدم انجام شود. مقام ارجاع‌کننده در ارجاع پرونده مکلف است پرونده را به دادرسی ارجاع نماید که با توجه به موضوع پرونده توان علمی، تجربه و تبحر کافی داشته باشد و برای اینکه قاضی توانمند به موضوع پرونده در ارجاع مشخص شود قانون‌گذار عالمانه از ارجاع به نوبت پرونده به شعب (مثلاً به ترتیب به شعبه اول و دوم و... ارجاع شود) خودداری نموده است ولی دستور داده که با رعایت نوبت و وصول به یکی از شعب ارجاع شود (مثلاً ماده ۳۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی) چون اگر دستور می‌داد که به نوبت به شعب دوم و... ارجاع شود انتخاب قاضی مناسب با دعوی مطروحه مواجه با اشکال می‌شد به همین دلیل در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی قانون‌گذار صراحتاً دستور داده که اگر چند دعوی در چند شعبه مطرح باشند که ارتباط کامل با هم داشته باشند در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یک جا رسیدگی شود در اینجا قانون‌گذار عالمانه دستور داده که پرونده‌ها به شعبه‌ای ارجاع شود که قاضی توان انجام پرونده‌ها را داشته باشد والا دستور می‌داد که با توجه به سبق ارجاع، انجام شود.

با توجه به موارد مذکور ارجاع یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه است که بستگی به مقام ارجاع‌کننده دارد. در نتیجه مقام ارجاع‌کننده باید از نظر علمی و تجربه نسبت به بقیه قضات بالاتر باشد تا ارجاع به درستی انجام شود به علاوه انتخاب قضات جهت شعب متعدد باید به نحوی باشد که به ترتیب توانمندی در کنار هم قرار گیرند (با توجه به تجربه، سابقه) تا در صورتی که مقامات ارجاع‌کننده به علتی در دسترس نباشند ارجاع توسط مقامی انجام شود که نزدیک به مقام ارجاع‌کننده (رئیس یا معاون) باشد.

**دادگاه‌ها حق دخالت در دعوی اشخاص را ندارند مگر اینکه ذی‌نفع یا نمایندگان آنها برابر قانون رسیدگی به دعوی را درخواست کرده باشند پس از اینکه دعوی مطابق مقررات اقامه شد قاضی مکلف است در ماهیت امر اظهار نظر نماید یعنی حکم صادر نموده یا فصل خصومت نماید**

قضایی بدانیم قانون‌گذار این تصور را دارد که پرونده مطابق قانون مراحل دادرسی را دقیقاً طی نموده است و رای توسط دادرسانی عالم و ماهر صادر شده است و در نتیجه حق به صاحب واقعی آن داده شده است و حاصل دادرسی قاطع خصومت و از نظر قضایی مطلوب و حقیقت است با توجه به مراتب مذکور نقش مدیران در ارجاع صحیح پرونده معلوم می‌شود چون اساس رای و اجرای عدالت به تجربه، تبحر و سابقه کار و به طور کلی به توان قاضی صادرکننده رای برمی‌گردد یعنی دادرسی که رسیدگی توسط وی منوط به ارجاع است یعنی همان مقام ارجاع‌کننده‌ای که قاضی را برای رسیدگی انتخاب می‌نماید و مقام ارجاع‌کننده در صورتی می‌تواند چنین دادرسی را با مشخصات مذکور انتخاب کند که خود شایستگی این کار را داشته باشد یعنی توان علمی و مهارت کافی داشته باشد در واقع آن مقام باید اطلاعات کافی در خصوص دعوی مطروحه داشته باشد و کار کرده باشد و همه قضات را که در آن حوزه می‌باشند کاملاً بشناسد مثلاً اگر معاونی که مسئول ارجاع است دعوی افراز را نمی‌داند که چیست چگونه می‌تواند دادرسی را انتخاب نماید که پرونده افراز را رسیدگی کند و یا اگر معاون مذکور قضات را نمی‌شناسد چگونه می‌تواند وظیفه خود را در ارجاع پرونده به درستی انجام دهد قانون‌گذار عالمانه وظیفه ارجاع را به عهده مقام‌هایی قرار داده که علی‌الاصول در آن حوزه باید عالم‌تر و ماهرتر باشند و از طرفی به لحاظ ریاست اداری بر قضات آن حوزه، قاعدتاً آنها را می‌شناسد. همانطور که بیان شد و با توجه به مواد ۵۰ و ۳۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۱ و ۲۳ و تبصره ۷ از ماده ۲۰

آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود. قانون مزبور آمره بوده و در نتیجه دادگاه‌ها حق ندارند برخلاف مقررات مذکور رفتار نمایند.

اولین دستوری که قانون می‌دهد این است که دادگاه‌ها حق دخالت در دعوی اشخاص را ندارند مگر اینکه ذی‌نفع یا نمایندگان آنها برابر قانون رسیدگی به دعوی را درخواست کرده باشند (ماده ۲ قانون مذکور) پس از اینکه دعوی مطابق مقررات اقامه شد قاضی مکلف است در ماهیت امر اظهار نظر نماید یعنی حکم صادر نموده یا فصل خصومت نماید. (ماده ۳ قانون مذکور) حکم به معنای صدور رای در ماهیت که قاطع دعوی به صورت جزئی یا کلی باشد و یا به نحوی مورد راحل و فصل نماید که اعتبار امر مختومه را داشته باشد که همان فصل خصومت است (ماده ۲۹۹ قانون مدنی) قانون‌گذار برای رسیدن به این هدف دستور داده کلیه مواردی که مانع رسیدگی ماهوی است رفع شود به همین جهت پس از اینکه دادخواست پذیرفته شد اگر ناقص باشد باید رفع نقص شود.

با دقت در قانون آیین دادرسی مدنی معلوم می‌شود اگر ذی‌نفع و یا وکیل وی دادخواستی را تسلیم دادگاه نموده و دارای امضا یا اثر انگشت باشد و به فارسی نوشته شده باشد دادگاه مکلف به پذیرش آن است. اگر چه با توجه به شرایط، دادخواست ناقص باشد (مواد ۵۱ و ۵۳ قانون مذکور) بدیهی است در صورتی که حداقل یکی از سه شرط مذکور رعایت نشده باشد چنین دعوی کلاً پذیرفته نمی‌شود چون از موارد رفع نقص نمی‌باشند دادخواستی که ناقص است ولی دارای سه شرط مذکور می‌باشد اخطار رفع نقص صادر می‌شود تا مطابق مقررات رفع نقص نماید چون همان‌طور که بیان شد تا رفع نقص نشود قاضی نمی‌تواند در ماهیت اظهار نظر نماید به همین دلیل در صورت عدم رفع نقص - برخلاف اصل که باید در ماهیت امر اظهار نظر نماید - قانون‌گذار اجازه داده که وارد ماهیت نشده و قرار رد آن را صادر نماید. در واقع صدور قرار یعنی عدم ورود در ماهیت دعوی نیاز به نص دارد که در قانون آیین دادرسی مدنی مواردی که قاضی نباید وارد ماهیت شود تصریحاً بیان شده است از جمله ماده ۸۴ قانون مذکور که مواردی را ذکر نموده است.

پس از اینکه قاضی در ماهیت، رای صادر نمود و قطعی شد اعتبار امر قضاوت شده بر آن حاکم است به این معنی که تجدید دادرسی علی‌الاصول غیرممکن است (بند ۶ از ماده ۸۴) منشا قضیه اعتبار امر مختومه را هر شکل تصور نماییم چه برای حفظ نظم عمومی و چه آن را طبق بعضی از نظریه‌ها عقد و شبه‌عقد